

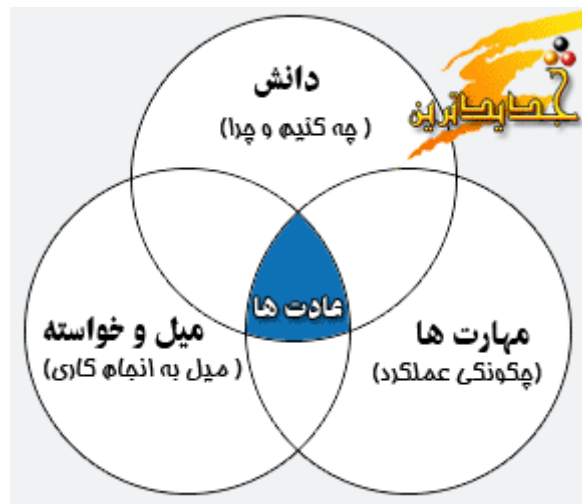
« فلسفه موفقیت »

■ سطح جدیدی از تفکر

آلبرت انیشتین دریافته بود که « مسائل خاصی که ما با آنها روبه رو می شویم ، در همان سطح از تفکری که آنها را برای مان به وجود آورده است ، قابل حل نخواهد بود ». وقتی به اطراف خود و درون خویش نگاه می کنیم و در زندگی و در کشاکش با نظام شخصیتی خود با مسائلی مواجه می شویم ، در می یابیم که این مسائل بسیار عمیق هستند مسائلی اساسی و عمیق دره مان سطح ظاهری که به وجود آمده اند حل نخواهند شد. ما نیاز به سطح تازه ای از تفکر داریم ، سطحی عمیق تر و الگویی بر مبنای اصولی به دقت حوزه انسان کارآمد که کنش ها و واکنش های او را بیان کند ، تا این مسائل عمیق حل شوند . این سطح تازه تفکر همان چیزی است که در این کتاب درباره آن بحث می شود . این روش اصولی بر مبنای شخصیت و به طور کامل برای کارایی فردی و میان فردی بنا شده است.

■ تعریف « عادت »

دانش ، الگویی نظری است، این که چه کنیم و چرا. مهارت چگونگی عملکرد است و میل خواسته، انگیزه است. برای آن که چیزی را در زندگی تبدیل به عادت کنیم ، باید دارای این سه ویژگی باشیم.



■ زنجیره بالندگی

این هفت عادت مجموعه ای از دیتورالعمل های مجزا و مرحله به مرحله ملال آور نیستند. با هماهنگی با قوانین طبیعی بالندگی ، این عادت ها باعث نگرش خلاق ، مداوم و بسیار سازگار در جهت بهبود کارایی فردی و میان فردی می شود . آنها به طور خودکار به سوی زنجیره بالندگی سوق می یابند و از وابستگی به استقلال و در نهایت به همبستگی و اتکای متقابل می رسند .در زنجیره بالندگی وابستگی ، الگویی از خود شماسست . تو از من مراقبت می کنی ، مطابق میل من رفتار می کنی و من تو را برای کسب هر نتیجه ای سرزنش می کنم .

استقلال الگوی من است . من می توانم این کار را انجام دهم ، من مسئول هستم، من متکی به خود هستم و در نهایت من انتخاب می کنم .همبستگی و اتکای متقابل الگوی ماست ، ما می توانیم این کار را انجام دهیم ، ما با هم مشارکت داریم ، ما می توانیم با همبستگی و یکی کردن توانایی ها و مهارت های مان همه با هم اقدام به ایجاد چیزی بزرگ تر و والاتر نماییم.

■ تعریف کارآمدی

این هفت عادت ، عادت کارآمدی هستند و چون مبنای اصولی دارند ، نتایج بسیار مفید و طولانی مدتی می دهند . این عادات پایه های شخصیت فرد را استوار می سازند و چنان مرکز بهبود رفتار فرد را توانمند می کنند که او می تواند با افزایش کارایی مشکلاتش را حل کند ، فرصت های بیشتری به دست آورد ، به طور مداوم بیاموزد و از اصول دیگر درجهت رشد معنوی خود بهره مند گردد .اینها عادات کارآمدی هستند ، چون بر مبنای الگوهایی که با قانون طبیعی هماهنگی دارند ، قرار گرفته اند . قانونی که من آن را « تعادل طلایی » نامیده ام و بسیاری از افراد آن را نادیده می انگارند . این قانون را به راحتی با به خاطر آوردن داستان غاز تخم طلای ازوپ می توانید به خاطر بسپارید.

■ تعادل طلایی

کارآمدی در تعادل نهفته است . همان چیزی که من تعادل طلایی می نامم و در آن به فرآوری و ایجاد نتایج مطلوب که همان تخم طلا است اشاره دارم .نکته دیگر مستتر در آن ، توانایی یا ظرفیت فرآوری و تولید است ، توانایی یا ویژگی ای که تخم طلا ایجاد می کند .برقراری این تعادل ، تعادل میان تخم طلا (فرآوری و تولید) و سلامت و سعادت غاز (ظرفیت و توانایی فرآوری و تولید) اغلب دشوار است ، اما به نظر من این یکی از اساسی ترین نکات کارآمدی است . این عملکرد بین امور کوتاه مدت و بلند مدت تعادل برقرار می سازد .تعادل طلای جوهره اصلی کارآمدی است و در عرصه های مختلف زندگی نقش خود را نشان می دهد

. ما می توانیم از آن بهره مند شویم یا بر خلاف آن عمل کنیم ، اما به هر حال وجود دارد . فانوسی است که بر سر راه قرار دارد . این همان تعریف و الگویی از کارآمدی است که هفت عادت این کتاب مبتنی بر آن است